



ستاره‌ی

مدینه



(به مناسبت ولادت حضرت زینب علیها السلام)

محمد عابدی

اشاره:

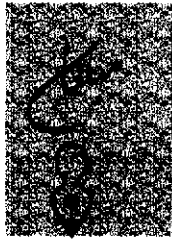
زندگی و شرح جلوه‌هایی از شخصیت حضرت زینب علیها السلام که مربوط به قبل از قیام کربلاست پرداخته‌ایم و هر گونه توضیح مربوط با دوره‌ی دوم را به مبحث رحلت وی وا گذاشته‌ایم.

بی‌گمان سخن گفتن از عقیده بنی‌هاشم، دختر آسمانی علی علیه السلام، بسیار سخت است. حال که در آستانه‌ی تولد این ستاره‌ی علوی قرار گرفتیم، شمه‌ای از شخصیت و فرازهایی از زندگی آن حضرت تا عصر امام حسین علیه السلام را بیان می‌کنیم و بخش پایانی آن را که با کربلا و عاشورا پیوند می‌خورد، به مناسبت رحلت این بانوی ارجمند، تقدیم خواهیم کرد.

زیفت پدر

ستاره‌ی مدینه وقتی به دنیا آمد، امام حسین علیه السلام به سرعت خود را به پدر رساند و با اشتیاق خبر تولد خواهرش را به او داد و منتظر لبخندی بر لب پدر شد، اما در کمال شگفتی اشک پدر را

از این روی در مقاله حاضر بیشتر به



دید که بر گونه‌اش جاری شد. حسین سبب گریه پدر را پرسید.

امام فرمود: «فرزندم به زودی خواهی دانست.»^۱

در این ایام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسافرت بود؛ لذا فاطمه علیها السلام رو به علی علیه السلام کرد و پرسید: پدرم در مسافرت است، نام این دختر را چه بگذاریم؟

علی علیه السلام فرمود: من در این کار بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیشی نمی‌گیرم. منتظر می‌شویم تا به زودی باز گردد. سرانجام پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر برگشت. او طبق معمول قبل از ورود به خانه‌اش در خانه‌ی فاطمه علیها السلام را کوید و چون داخل شد، سیمای کودک فاطمه علیها السلام را دید.

علی علیه السلام پیش آمد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله را از تولد نوه‌اش مطلع کرد و از وی خواست نامی برای او انتخاب کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«فرزندان فاطمه، فرزند من هستند، اما منتظر وحی می‌مانم تا خداوند نامی

برایش برگزیند در همان هنگام جبریل نازل شد و عرض کرد: 'خداوند سلام می‌رساند و می‌فرماید: نام این کودک را

زینب بگذار؛ زیرا در لوح محفوظ این نام را برای او نوشته‌ایم. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله (زینب) را از مادرش خواست، بر گونه‌اش بوسه‌ای زد و فرمود: 'حاضرین و

غایبین را وصیت می‌کنم که حرمت این دختر را نگهدارند؛ که او همانند خدیجه کبری علیها السلام است.»^۲

و به این ترتیب در پنجم جمادی الاولی سال پنجم یا ششم هجری سومین فرزند فاطمه زهرا علیها السلام پای به این جهان گذاشت.^۳

تولد حضرت زینب علیها السلام همراه با غم و اندوه اهل بیت علیهم السلام بود و این به خاطر اخباری بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آینده و مصیبت‌هایی که زینب علیها السلام بدان گرفتار خواهد شد؛ داده بود. از جمله وقتی جبرئیل ناز شد و نام زینب را برای مولود مبارک فاطمه آورد، گریان شد. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله سبب گریه‌اش را سؤال کرد، گفت: «این دختر از آغاز تا پایان زندگی، رنج و بلاهای زیادی را به جان خواهد خرید به درد مصیبت تو، ماتم مادرش، مصیبت پدرش، فراق برادرش حسن و از همه فزون‌تر به مصائب کربلا گرفتار خواهد شد.» وقتی این خبر را رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید، گریان شد....

«فلما احضرتها اخذها رسول الله و ضمها الی صدره الشریف و وضع خده المنیف علی خدّها فبکی بکاءً عالیاً و سال الذمّع علی محاسنه الشریف جاریاً فقالت فاطمه: 'لماذا بکائك؟ لا

ابکی الله عينيك يا ابتاه! فقال ﷺ: 'يا
 بنیة فاطمة فاعلمی ان هذه البنت بعدك
 و بعدی تُبتلی بالبلا یا ترد علیها
 مصائب شتی و رزایا فبکت فاطمه رضی اللہ عنہا
 عند ذلك ثم قالت: 'یا اب فما ثواب من
 بکی علیها و علی مصائبها؟' فقال: 'یا
 بضعتی و قره عینی! ان من بکی علیها و
 علی مصائبها یکون ثواب یکائه کثواب
 من بکی اخویها!'

وقتی زینب را حاضر کردند رسول
 خدا صلی اللہ علیہ و آله و سلم او را گرفت و به سینه‌ی شریفش
 چسبانید و صورت مبارک خود را به
 صورتش نهاد و بلند گریست [چنان که]
 اشک از محاسن شریف او روان شد،
 فاطمه رضی اللہ عنہا پرسید: '[ای پدر گرامی]
 گریهات برای چیست؟ خدا نگریاند دو
 چشم شما را!' فرمود: 'ای دختر من! ای
 فاطمه! بدان که بعد از تو و بعد از من این
 دختر، گرفتار بلاها خواهد شد و
 مصیبت‌های گوناگون بر وی وارد خواهد
 شد.'

در این لحظه فاطمه رضی اللہ عنہا به شدت
 گریست و پرسید: 'ای پدر! ثواب کسی که
 بر او و مصیبت هایش گریه کند،
 چیست؟' فرمود: 'ای پاره تن من و
 روشنی چشمم! هر کس بر او و
 مصیبت‌هایش گریه کند، ثواب گریه‌اش

مانند ثواب کسی است که بر دو برادر او
 [حسن و حسین] گریه کند...»^۴

سیمای زینب

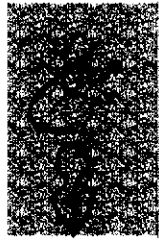
بانویی بلند بالا با چهره‌ای نورانی،
 قوی اندام، دارای فصاحت و بلاغتی علی
 گونه و عصمت و حیائی فاطمی، حلم و
 بردباری حسنی و شجاعتی حسینی، از
 وی بانویی کم نظیر ساخته بود.^۵

دوران کودکی

۱- مقام وحدانیت

زینب رضی اللہ عنہا از همان کودکی دارای
 کمالات معنوی و علمی بود چنان که
 امیرمؤمنان را به شگفتی وامی‌داشت.
 آن گونه که ملامحمد تقی، معروف به
 شهید ثالث، در مجالس المتقین و ابی
 سعید سبزواری در مصابیح القلوب
 می‌نویسند: «حضرت زینب رضی اللہ عنہا همراه با
 ابوالفضل العباس رضی اللہ عنہما در دوران کودکی،
 کنار امیرمؤمنان رضی اللہ عنہ نشسته بودند،
 حضرت رو به ابوالفضل کرد و گفت:
 'فرزندم بگو یک، او گفت یک. آن گاه از او
 خواست بگوید دو' ولی ابوالفضل رضی اللہ عنہ
 پاسخ داد: 'پدر! بازبانی که یک گفته‌ام دو
 نمی‌گویم، (منظورش وحدانیت خدا
 بود) امام رضی اللہ عنہ از خوشحالی فرزندش را





بوسید. آن گاه زینب علیها السلام پرسید: 'پدرا ما را دوست داری' فرمود: 'چگونه شما را دوست نداشته باشم، شما میوه دل من هستید.'

زینب علیها السلام عرض کرد: 'لایجتمع حبان فی قلب مؤمن حب اللّٰه و حب الاولاد و ان کان ولا بد فالحب لله تعالی و الشفقة للاولاد؛ دو محبت در قلب مؤمن جمع نمی شود [هم] حب خدا و [هم] حب اولاد اگر چاره ای نباشد پس دوستی مخصوص خداست و شفقت و مهربانی برای اولاد.'^۶ آری زینب از همان کودکی صاحب علم و کمال بود.

۲- ایثار در کودکی

نمونه دیگر از اسناد تاریخی، حکایت از ایثار حضرت زینب علیها السلام در دوران کودکی دارد که این نیز بیانگر رشد کمال انسانی وی در طفولیت است.

از جمله در ریاحین الشریعة می خوانیم: «روزی علی علیه السلام مهمانی به خانه آورد ولی در منزل غذایی نبود، حضرت از فاطمه علیها السلام سؤال کرد: 'آیا غذایی داریم.' حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد: 'فقط یک قرص نان داریم که برای زینب نگه داشته ام.' حضرت زینب علیها السلام که در رختخواب ولی بیدار بود، گفت: 'مادر نان را برای مهمان ببرید، من صبر

می کنم.'^۷

۳- مهر برادر

از همان کودکی علاقه ای عجیب به برادرش امام حسین علیه السلام داشت چنان که زینب کوچک هنگامی که گریه می کرد، تنها در آغوش برادرش آرام می گرفت. این رفتار فاطمه زهرا علیها السلام را شگفت زده کرده بود. به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: 'پدر من از چنین رفتاری تعجب می کنم. این گونه محبت بیش از حد معمول است. زینب بدون دیدن حسین شکیبایی ندارد و اگر بوی حسین را نشود، جان از تنش بیرون می رود.'

رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی این حکایت را شنید، آه از سینه برکشید و اشک بر چهره اش روان شد و فرمود: 'ای نور چشم من این دختر با حسین علیه السلام به سفر کربلا خواهد رفت و رنجها خواهد دید...'^۸

محبت زینب نسبت به امام حسین علیه السلام البته اختصاص به دوره ی کودکی نداشت چنان که وقتی ابن عباس به امام حسین علیه السلام گفت: «حال که خود به این سفر می روی زینب را نبر.» در همان لحظه زینب علیها السلام برآشفت و گفت: «ای ابن عباس! می خواهی بین من و حسین جدایی بیاندازی!»^۹

□ القاب و کنیه‌های حضرت

زینب علیها السلام

ام کلثوم، ام عبدالله، ام الحسن، ام المصائب، ام الرزایا، ام النوائب، و...
کنیه‌های این بانوی بزرگوار است و القاب مبارکش که بیش از ۶۰ مورد ذکر شده عبارتند از: عالمه غیر معلمه، فهیمه غیر مفهمه، کعبه الرزایا، نائبة الزهراء، نائبة الحسين، مليكة النساء، عقيلة النساء، عديلة الخامس من اهل الكساء، شريكة الشهداء، ناموس رواق العظمة كفيلة السجاد، سيدة العقائل، سرابيها، سلالة الولاية، سقيقة الحسن، عقيلة خدر الرسالة، وليدة الفصاحة، رفيعة الولاية، البليغة، الفصيحة، الكاملة، عابدة آل علي، صديقة الصغرى، موثقة، عقيلة الطالبين، فاضلة، شمسة قلادة جلال، عقيلة الوحي، نجمة سماء نباله، معصومة الصغرى، قرينة النوائب، محبوبة المصطفى، قرّة عين مرتضى، صابرة محتسب، ربة خدر القدس، قبله الرزایا، رفيعة الوحي، باب جعله الخطايا، خضرة علي و فاطمة، ربیعة فضل، شريكة الحسين، بطلة كربلا، عظيمة بلواها، عقيلة قريش، باكيه، سليله الزهراء، امين الله، آية من آيات الله، عارفة، اهل التقى، لبيبة جزلة عاقلة، عقيلة جلييلة،

امراة عاقلة، محدثه، ناوس كبريا، راضية بالقدر و القضاء وحيدة، شجاعة، زاهدة، عاملة.^{۱۰}

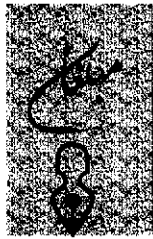
□ ویژگی‌های شخصیتی

زینب علیها السلام

هرچند برخی از القاب وی به ویژگی‌های مهمتی در این بانوی بزرگوار اشاره دارد لیکن جا دارد، به چند ویژگی بارز از آن حضرت اشاره شود.

۱- عبادت:

زینب علیها السلام در عبادت و بندگی خداوند، پیرو مادرش زهرا علیها السلام بود. اکثر شب‌ها را به تهجد و تلاوت قرآن صبح می‌کرد و به گفته برخی از مورخان شب بیداری یادگار فاطمه علیها السلام در طول عمرش، هرگز ترک نشد. حتی در شب یازدهم محرم با آن همه خستگی و فرسودگی و مشاهده آن همه آلام روحی نماز شب خود را خواند. همچنین از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که: «ان عمتی زینب کانت تودی صلواتها من قیام الفرائض و النوافل عند مسیرنا من الکوفة الی الشام و فی بعض المنازل کانت تصلی من جلوس لشدة الجوع و الضعف منذ ثلاث لیلٍ لانها کانت تقسم ما یصیبها من الطعام علی



الاطفال لان القوم كانوا يدفعون لكل واحد منا رغيفاً واحداً من الخبز في اليوم والليله؛

عمه‌ام زینب، نمازهای واجب و مستحبی‌اش را در طول مسیر کوفه به شام می‌خواند و در بعضی از توقفگاه‌ها از شدت گرسنگی و ضعف در مدت شبانه روز نمازش را ننشسته خواند. چون آنچه از غذا سهم او بود، بین کودکان تقسیم می‌کرد. چون آن قوم به هر یک از ما یک گرده نان در شبانه روز می‌دادند.^{۱۱}

۲- علم و دانش

بخشی از علم و دانش حضرت زینب علیها السلام از نوع اکتساب نیست، بلکه همچو سایر اهل بیت علیهم السلام از منبع علوم غیبی است. از این روست که امام زین العابدین به وی «عالمه غیر معلمه» لقب می‌دهد. آری، این بانوی بزرگوار چنان مقام علمی والایی داشت که یک سال پس از ورود امیرمؤمنان علیه السلام به کوفه زنان آن شهر از وی خواستند اجازه کسب فیض دهد و او در ایامی که در کوفه بود، مجلسی تشکیل داد و در خانه خود به زنان تفسیر قرآن درس می‌داد.^{۱۲}

در یکی از روزها که به تفسیر (کهیصص) رسیده بود، امیرمؤمنان علیه السلام وارد شد. و فرمود: «ای نور دیده شنیدم

تفسیر (کهیصص) را برای بانوان می‌گفتی گفت: 'بلی، امام فرمود:

'ای نور دیده این رمز است در مصیبت وارده بر شما عترت پیامبر صلی الله علیه و آله آن گاه مصائب وارده را شرح داد و حضرت زینب علیها السلام گریست.^{۱۳}

۳- کرامت و استجابیت دعا

هر چند هزاران کرامت از این بانوی بزرگوار بروز کرده اما فقط نمونه‌ای را نقل می‌کنیم. مرحوم ثقة الاسلام نوری از سید محمدباقر سلطان آبادی نقل می‌کند: «به چشم درد شدیدی در چشم چپ مبتلا شدم. هرچه درمان کردم، اثری نداشت، به سلطان آباد آمدم و نزد پزشکان رفتم. آن جا هم فایده‌ای نکرد و بر عکس مرضی‌ام شدید شد. بعضی از دکترها می‌گفتند قابل علاج نیست. برخی هم قول شش ماه بعد می‌دادند و من هر روز از روز قبل نالان تر می‌شدم تا این که سیاهی چشمم گرفته شد و دیگر نمی‌توانستم بخوابم. در آن اوقات یکی از دوستانم برای خداحافظی به دیدنم آمد. او می‌خواست به کربلا برود. من هم با او راهی شدم. در منزل اول درد چشم شدیدتر شد و همه، مرا شماتت می‌کردند مگر یک نفر. بالاخره، به منزل دوم رسیدیم درد شدیدتر از قبل شد و ورم

چشمم افزونتر. تا این که نزدیک سحر آرامش پیدا شد.

در عالم رؤیا عقیده بنی هاشم زینب کبری علیها السلام را دیدم که گوشه‌ی مقنعه‌اش را به چشمم می‌کشید.

از خواب بیدار شدم و چشمم خوب شد. دوستانم باور نمی‌کردند، سوار شدیم در بین راه درد و ناراحتی احساس نمی‌کردم. من که همیشه ناراحت و عاجز بودم، پیش خود گفتم: کاش بسته‌ی روی چشمم را باز می‌کردم. تا باز کردم، دیدم همه چیز را می‌بینم. صدا زدم که رفقا بیاید، همه آمدند و گفتند: 'کدام چشمت درد می‌کرد؟' گفتم:

'چشم چپم بود.' هرچه نگاه کردند تفاوتی بین چشم چپ و راستم ندیدند.^{۱۴}

در کتاب وقایع الایام تبریزی نیز می‌خوانیم:

«شیخ عبدالرحمن جمهوری مصری (از علمای اهل سنت) نویسنده‌ی کتاب مشارق الانوار، می‌گفت:

'در گرفتاری سختی افتادم، با خود گفتم بر سر قبر حضرت زینب، دختر علی بروم، شاید گرفتاری رفع شود.

قصیده‌ای در مدح زینب علیها السلام گفتم

که اول آن چنین بود:

ال حله لکم علینا الولاء

لا سواکم بما لکم الاء

زینب فضلها علینا عمیم

وحمانا من السقام شفاء

من بر سر قبر رفتم و شعرم را خواندم و از حضرت به عنوان پاداش تقاضای رفع گرفتاریم را کردم.

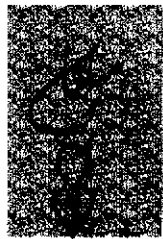
در کمال ناباوری آن مشکل من حل شد. به خدا سوگند! از حرم بیرون نیامدم، مگر با حاجت روا شده.^{۱۵}

۴- معصومه

از دیگر ویژگی‌های حضرت، مقام عصمت است؛ می‌دانیم که عصمت درجاتی دارد. مرتبه‌ی عالی آن مخصوص اهل بیت علیهم السلام است «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً»^{۱۶} اما چون حضرت زینب علیها السلام نیز از طینت محمدی و مجاهده نفس برخوردار بود، توانست به مرتبه‌ای از این عصمت دست یابد. لذا خود آن حضرت در برخی احتجاجات خود به این مقام اشاره می‌کند.

محقق ممقانی در تنقیح المقال می‌نویسد:

«در صورتی که عقیده به عصمت زینب داشته باشیم، گراف نگفته‌ایم. آنان



که بر حالات زینب در عاشورا و پس از آن واقف باشند، چگونه می‌توانند عصمت آن بزرگوار را انکار کنند. چون اگر زینب عصمت نداشت، در آن مدتی که امام سجاد علیه السلام بیمار بود، امام حسین مقداری از سنگینی بار امامت را به آن حضرت نمی‌سپرد.^{۱۷}

۵- موثقه و صدیقه و امینه

حضرت زینب علیه السلام مورد اطمینان همه، خصوصاً حضرت سید الشهداء و امام سجاد علیه السلام بود. لذا امام حسین علیه السلام ودایع امامت را به وی سپرد و هر وقت امام سجاد علیه السلام به بیان اخبار و احادیث می‌پرداخت و می‌خواست در ذهن مردم جای بگیرد، آن را به عمه‌اش مستند می‌کرد. ابن عباس نیز همین طور به زینب علیه السلام استناد می‌کرد با این که خود مقام والایی داشت - می‌گفت: «حدیثنا عقيلتنا»^{۱۸} روایت حضرت زینب را به مناسبت در فصل‌های مختلف نقل خواهیم کرد.

از طرف دیگر حضرت، جزو صدیقین به شمار می‌رفت مقامی که اشخاص محدودی بدان دست یافته‌اند. و پیامبران بدان مقام فخر می‌کردند «انه كان صدیقاً نبياً»^{۱۹} ابراهیم صدیق پیامبر بود. والاترین مقام صدیقین

متعلق به علی امیرمؤمنان است^{۲۰} و در زنان سابقه این مقام به حضرت مریم و در امت پیامبر به فاطمه‌ی زهرا علیه السلام^{۲۱} و آن گاه به حضرت زینب علیه السلام اختصاص دارد. لذا چون مادرش فاطمه‌ی زهرا به صدیقه‌ی کبری مشهور بود، به وی صدیقه‌ی صغری می‌گفتند.

همچنین حضرت زینب امانتدار الهی بود و به مقام «امینه الله» رسید. زیرا اگر دارای چنان مقامی نمی‌بود، هرگز امام حسین علیه السلام ودایع امامت را به وی نمی‌سپرد. آری او در سایه عبادت و بندگی به این مقام رسید.

در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

چنانچه زینب علیه السلام در سال ۵ هجری متولد شده باشد، تنها ۵ سال محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرده است. البته ۵ سالی که آکنده از مهر و عطوفت و خاطراتی برای تمام عمر بود.

آخرین خاطره‌ی وی از دوره‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مربوط به لحظه‌ای است که هنگام رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امیرمؤمنان، فاطمه زهرا، حسن و حسین علیه السلام هر یک خوابی دیدند که دلالت بر وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داشت. لذا با ناله و تحیت به سوی

رسول خدا ﷺ حرکت کردند. در همین حال زینب علیها السلام نیز خدمت رسول خدا ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله، یا جده! دیشب خواب هولناکی دیدم. کانی بریح عاصفة انبعثت و اسودت الدنيا و ما فیها و اظلمتها و حرکتی من جانب فرأیت شجرة عظيمة فتعلقت بها من شدة الريح قد قلمتها و القتها علی الارض ثم تعلقت علی غصن قوی من اغصان تلك الشجرة فقلعتها ایضاً ثم تعلقت علی فرعین متصلین من فروعها فکسرتها ایضاً فاستیقضت من نوهی هذه؛

گویا باد سختی وزیدن گرفت به صورتی که دنیا و ما فیها را تاریک و ظلمانی کرد و من را [شدت باد] به سوئی می برد. بالاخره درخت بزرگی به نظرم آمد، خود را به آن چسباندم. باد از شدت وزش، درخت را از ریشه کند و بر زمین انداخت. من خود را به شاخه ای محکم از شاخه های آن درخت آویختم. باد آن شاخه را نیز درهم شکست، به شاخه ای دیگر آویزان شدم، آن را هم شکست، در آن حال به دو شاخه که به هم متصل بودند از فروع آن شاخه چسبیدم، اما آن دو را نیز شکست، و من وحشت زده از

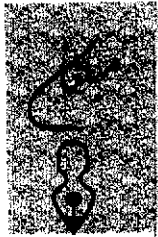
خواب برخاستم.

رسول خدا ﷺ از شنیدن این خواب سیلاب اشک از دیده اش جاری شد و به شدت گریست. آن گاه فرمود: ای نور دیده! آن درخت جد تو است که به زودی تندباد اجل او را از پای در خواهد آورد و آن شاخه نخست که به آن پناه بردی، مادر توست و شاخه دیگر پدرت و آن دو شاخه دیگر برادر تو حسن و حسین هستند که در مصیبت ایشان دنیا تاریک می شود و تو در مصیبت آن ها جامه سیاه می پوشی. ۲۲ آری و در پی این خواب، با فاصله ای اندک رسول خدا ﷺ به سوی جنان پرکشید و خاندان اهل بیت علیهم السلام را در دنیا با مردمان منافق و کینه توز تنها گذاشت.

□ با کوثر رسول ﷺ

بی گمان آنچه زینب علیها السلام از فضایل اخلاقی و کمالات نفسانی کسب کرد، مدیون پاکی و طهارت فاطمه زهرا علیها السلام و امیرمؤمنان بود. آری فاطمه علیها السلام که خود بانویی کمال یافته و تنها زن معصوم در حد رسول خدا و امامان علیهم السلام بود، تربیت زینب علیها السلام را عهده دار بود و تا حدود شش سالگی زینب این وظیفه را به انجام رساند. زینب علیها السلام نیز خاطرات و





وی از فاطمه‌ی زهرا علیها السلام اشاره می‌کنیم. روایاتی که همه، رنگ و بویی ولایی دارند و از شدت اهتمام حضرت به بیان سخن حق پیرامون ولایت حکایت دارند و قبل از آن برای یقین به استحکام روایت وی از مادرش فاطمه‌ی زهرا علیها السلام سخن چند تن از بزرگان را نقل می‌کنیم: ابوالفرج اصفهانی: «زینب عقیله، دختر علی بن ابی‌طالب علیه السلام و مادرش فاطمه علیها السلام است. او همان کسی است که ابن عباس از او: کلام حضرت فاطمه علیها السلام را در فدک نقل می‌کند و می‌گوید: حدیث کرد مرا عقیله‌ی ما زینب، دختر علی علیه السلام».

در انساب الطالبین می‌خوانیم: «زینب کبری علیها السلام دختر امیرمؤمنان علیه السلام که کنیه‌اش ام الحسن بود از مادرش

روایات فراوانی از این دوره، با خود دارد این خاطرات و روایات هرچند مربوط به دوران خردسالی اوست اما چون کیفیت رشد جسمی و روحی اهل بیت و حتی تولد آنان با دیگران متفاوت است، از این روی آنان قادرند از سنین کودکی احادیث و روایات را به طور دقیق ضبط و برای آیندگان نقل کنند. زینب علیها السلام نیز هر آنچه را از آن دوره دیده به خاطر سپرده و به عنوان مبلغی توانا با نقل آن آیندگان را از مسیر حق و حقیقت مطلع کرده است. اوج این اطلاع رسانی تاریخی و سیاسی را می‌توان به خطبه‌ی فدکیه مربوط دانست که زینب علیها السلام خطبه مادر را به طور کامل حفظ و برای آیندگان نقل کرد.

مادر این فرصت به برخی روایات

فاطمه زهرا علیها السلام روایت می‌کند. ۲۳

آیت الله خوئی می‌نویسد: «از مادرش علیها السلام روایت می‌کند و جابر و عباد عامری از او روایت می‌کنند.» ۲۴

البته حضرت زینب از امام علی علیه السلام، ۲۵ ام ایمن و اسماء بنت عمیس نیز روایت می‌کند. در این مقام تنها روایاتی مطرح می‌شود که آن حضرت از مادر گرامی خود نقل کرده‌اند. این روایات در چند بخش ذکر می‌شود:

۱- وسیله‌ی ارتباط خلق و خالق

ابوبکر (از محمد بن زکریا، جعفر بن محمد بن عماره‌کنندی از پدرش، حسین بن صالح بن حی از دو نفر از بنی‌هاشم) از زینب دختر علی علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

«و نحن وسیلته فی خلقه و نحن خاصته و محل قدسه و نحن حجتہ فی غیبه و نحن ورثة انبیائه؛ ۲۶ ما (اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) وسیله‌ی ارتباط خدا با مخلوقات هستیم، ما برگزیدگان خدا و جایگاه پاکی او هستیم، ما دلیل‌های روشن خدا و وارث پیامبران الهی هستیم.»

۲- جایگاه شیعیان

ابن حجاف (از محمد بن عمر بن حسن) از زینب علیها السلام و اشجع بلید بن

سلیمان (از ابی حجاج، محمد بن عمرو هاشمی) از زینب علیها السلام نقل کرد که فاطمه علیها السلام فرمود: «ان رسول الله قال لعلی اما انک یا بن ابی طالب و شیعتک فی الجنة و سیجیء اقوام یتتحلون حبک ثم یمرقون من الاسلام کما یمرق السهم من الرمیة؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: ای پسر ابوطالب، تو و رهروان تو در بهشت هستید. به زودی اقوامی می‌آیند که از دوستی تو سخن می‌گویند آن گاه از اسلام مانند پرت شدن تیر از کمان، فرار می‌کنند.» ۲۷

۳- دوستی آل محمد

عن فاطمة بنت السجاد، علی بن الحسین زین العابدین، عن زینب، بنت امیرالمؤمنین عن فاطمه، بنت رسول الله، صلی الله علیه و آله و سلم قالت:

«الا من مات علی حب آل محمد مات شهیداً؛ آگاه باشید هرکس که بر دوستی آل محمد بمیرد، شهید است.» ۲۸

۴- خطبه نور

طولانی‌ترین روایتی که از حضرت زینب علیها السلام نقل شده و اعجاب همگان را که چگونه وی در سن ۵ سالگی توانسته این چنین سخنان نغزی را حفظ کند؟ بر انگیخته، مربوط به حدیثی است که





فاطمه زهرا علیها السلام در مسجد مدینه حاضر می‌شود. و همراه آن حضرت جمعی از بانوان وارد می‌شوند. ابوبکر و عده‌ای از مهاجران و انصار نیز حاضر بودند، به احترام دختر رسول صلی الله علیه و آله پرده‌ای سفید می‌آویزند. فاطمه علیها السلام قبل از هر گونه سخنی آهی از دل بر می‌کشد که بسیاری از حاضران می‌گیرند. وقتی آرام می‌شوند، این گونه سخن می‌گویند:

○ اقرار به وحدانیت

... گواهی می‌دهم خدای جهان یکی است و جز او خدایی نیست. نشان این گواهی، درستی و بی‌آلایشی است. و پای بندگان به این اعتقاد، دل‌های با بینش و راهنمای رسیدن به آن چراغ دانش است. خدایی که چشم‌ها او را نمی‌بینند و گمان‌ها چگونگی او را نمی‌دانند.

○ فلسفه آفرینش

همه چیز را از هیچ پدید آورد و بی نمونه‌ای انشا کرد؛ نه به آفرینش آن‌ها نیازی داشت و نه از آن خلقت سودی برداشت؛ جز آن که خواست قدرت‌ش را آشکار سازد و آفریدگان را بنده وار بنوازد....

○ فلسفه‌ی بعثت پیامبر

محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت تا کار خود

را به اتمام برساند و آنچه را که مقدر ساخته بود، به انجام رساند. پیغمبر صلی الله علیه و آله دید هر فرقه‌ای دینی برگزیده و هر گروه در روشنایی شعله‌ای خزیده. هر دسته‌ای به بتی نماز برده و همگان یاد خدایی را که می‌شناسند، از خاطر ستوده‌اند. پس خدای بزرگ تاریکی‌ها را به نور محمد صلی الله علیه و آله روشن ساخت و دل‌ها را از تیرگی کفر بپراخت و پرده‌هایی را که بر دیده‌ها افکنده بود، به یک سو انداخت. از روی گزینش و مهربانی جوار خویش را بدو ارزانی داشت و رنج این جهان که خوش نمی‌داشت از دل او برداشت و او را در جهان فرشتگان مقرب گماشت.

○ عهد بندگان با خدا

«شما بندگان خدا! نگهبانان حلال و حرام و حاملان دین و احکام و امانتداران حق و رسانندگان آن به خلق هستید. حقی را از خدا بر عهده دارید و عهدی را که با او بسته‌اید، پذیرفته‌اید.»

○ جایگاه اهل بیت علیهم السلام:

ما خاندان را در میان شما به خلافت گماشت و تاویل کتاب الله را بر عهده ما گذاشت. حجت‌های آن آشکار و آنچه درباره‌ی ماست پدیدار و برهان آن روشن و از تاریکی گمان به کنار و آوای

آن در گوش مایه‌ی آرام و قرار و پیرویش راهگشای روضه‌ی رحمت پروردگار است.

○ تفسیر احکام در پرتو اهل بیت علیهم‌السلام

حرام‌های خدا را بیان کننده است و حلال‌های او را رخصت دهنده و مستحبات را نمایندنده و شریعت را راهگشایند. ایمان را واجب فرمود و با آن زنگ شرک را از دل‌های شما زدود و با نماز، خودپرستی را از شما دور نمود. روزه را نشان دهنده‌ی دوستی بی آمیخ ساخت و زکات را مایه‌ی افزایش روزی بی دریغ و حج را آزماینده درجه دین و عدالت را نمودار مرتبه یقین و پیروی ما را مایه‌ی وفاق و امامت ما را مانع افتراق و دوستی ما را عزت مسلمانی و بازداشتن نفس را موجب نجات و قصاص را سبب بقای زندگانی، وفای به نذر را موجب آمرزش و تمام پرداختن پیمانہ و وزن را مانع از کم فروشی و کاهش قرار داد.

○ تبعیت از نهی خدا:

فرمود می‌خواری نکنند تا تن و جان از پلیدی پاک سازند و زنان پارسا را تهمت نزنند تا خویش را سزاوار لعنت نسازند. دزدی را منع کرد تا راه عفت پویند و شرک را حرام فرمود تا به

اخلاص، طریق یکتاپرستی جویند. پس چنان که باید ترس از خدا پیشه گیرید و جز مسلمان نمیرید....

○ من فاطمه‌ام

مردم! چنان که در آغاز سخن گفتم، من فاطمه‌ام و پدرم محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همانا پیغمبری از میان شما به سوی شما آمد که رنج شما بر او دشوار بود و به گرویدن شما امیدوار و بر مؤمنان مهربان و غمخوار. اگر او را بشناسید می‌بینید او پدر من است نه پدر زنان شما و برادر پسر عمومی من است نه مردان شما. او رسالت خود را به گوش مردم رساند. آنان را از عذاب الهی ترساند ... صبح ایمان را دمید و نقاب از چهره حقیقت فرو کشید....

○ بعثت صعود به اوج عزت

در آن هنگام شما مردم بر کنار خاکدانی از آتش بودید، خوار و در دیده همگان بی‌مقدار. لقمه‌ی هر خورنده و شکار هر درنده و لگدکوب هر رونده بودید. نوشیدنی‌تان آب گندیده و ناگوار، خوردنی‌تان پوست جانور و مردار بود. پست و ناچیز و ترسان از هجوم همسایه و همجوار تا آن که خدا با فرستادن پیغمبر خود شما را از خاک مذلت برداشت و سرتان را به اوج





رفت برافراشت.

○ علی کیست؟

پس از آن همه رنج‌ها که دید و خستگی که تحمل کرد، رزم آوران ماجراجو و سرکشان درنده‌خو و جهودان دین به دنیا فروش و ترسایان حقیقت نالیوش از هر سو به وی تاختند و با او نرد مخالفت باختند.

هرگاه آتش کینه افروختند، آن را خاموش ساخت و گاهی که گمراهی سربرداشت، یا مشرکی دهان به بیهودگی گشاد، برادرش علی باز نایستاد تا بر سر و مغز مخالفان نواخت و کار آنان را با دم شمشیر، یکسره ساخت.

○ نفاق رخ نمود

اما شما در آن روزها در زندگی راحت، آسوده و در بستر امن و

آسایش غنوده بودید. وقتی خدای

تعالی همسایگی پیغمبران را برای رسول خویش گزید، دورویی آشکار شد و کالای دین بی‌خردار. و گمراهی دعوی‌دار و هر گمنامی سالار و هر یاوه گویی در کوی و برزن و در پی گرمی بازار. شیطان از کمین گاه خود سر برآورد و شما را به خود دعوت کرد و دید چه زود سخنش را شنیدید و سبک در پی او دویدید و در دام فریبش خزیدید و به آواز او رقصیدید...»^{۲۹}

البته حضرت زینب علیها السلام احادیث دیگری نیز از فاطمه زهرا علیها السلام نقل کرده است که نشان از ارتباط مادر و دختر در آن سن خردسالی (۵ سالگی) دارد. همچنین روایاتی از حضرت زینب در احوالات فاطمه زهرا علیها السلام وارد شده است

مانند: آمدن غذای بهشتی برای فاطمه زهرا علیها السلام (نقل از ثاقب المناقب)، چگونگی ولادت امام حسین علیه السلام (کفایة الاثر) و

در روایتی دیگر عبدالله بن محض از پدرش حسن مثنی و از مادرش فاطمة بنت الحسین و او از عمه اش زینب کبری روایت کرد که: «مادرم فاطمه زهرا علیها السلام در محراب به قیام و قعود و سجود می ایستاد تا آن که آفتاب می زد و همواره برای مؤمنین و مؤمنات دعا می کرد و هیچ گاه برای خود دعای نمی کرد. روزی حسین علیه السلام پرسید:

‘مادر! چرا برای خود دعای نمی کنی؟’
فرمود: ‘فرزندم اول همسایه بعداً خانه.’^{۳۰}

□ شهادت مادر

و سرانجام زینب کبری علیها السلام شاهد شهادت مظلومانه ی مادرش علیها السلام نیز شد. آری آن گاه که امیرمؤمنان علیه السلام فاطمه زهرا علیها السلام را کفن می کرد، به فرزندانش خطاب کرد:

یا زینب! یا ام کلثوم! یا فضا! یا حسن! یا حسین! عجله کنید و از مادر خود توشه ای بردارید. در همان حال زینب علیها السلام و ام کلثوم در پیش روی پدر

گریه می کردند. زینب پرده ای بر صورت و پارچه ای بر تن خود انداخته و دامن کشان می آمد و می گفت:

«یا رسول الله! الان حقاً فقد ناک.»^{۳۱}

□ در سایه علی

ازدواج با عبدالله بن جعفر

پس از شهادت حضرت زهرا علیها السلام یگانه پناهگاه حضرت زینب علیها السلام، پدر بزرگوارش علی بن ابی طالب علیه السلام بود و در همین دوره بود که حضرت زینب علیها السلام ازدواج کرد. وقتی وی به سن بلوغ رسید، بزرگان قبایل برای ازدواج با این ستاره ی خاندان اهل بیت علیهم السلام اعلام آمادگی می کردند. در این میان اشعث بن قیس کندی، قدم پیش گذاشت و او در سال دهم هجری همراه جمعی از قبیله ی خود مسلمان شده بود و بعد مرتد شد. وقتی ابوبکر به او دست یافت، به شرط این که قبول کند با خواهر کور ابوبکر ازدواج کند، او را آزاد کرد. لذا حضرت علی علیه السلام نهیب زد که ای پسر بافنده، پسر ابو قحافه تو را متضرر کرد که خواهرش را به تو داد. اگر نام دختر مرا در میان نامحرمان ببری، جواب تو جز شمشیر نخواهد بود.





یکی از کسانی که به منزل حضرت رفت و آمد می‌کرد، عبدالله بن جعفر بود که حیا مانع او از ابراز کلامی در زمینه ازدواج می‌شد. بالاخره یک نفر از طرف او خدمت حضرت آمد و گفت:

«یا امیرالمؤمنین! شما می‌دانید که رسول خدا ﷺ به اولاد جعفر چقدر علاقه داشت و روزی نظر به آن‌ها کرد و فرمود:

دخترانمان برای پسرانمان و پسرانمان از آن دخترانمان هستند. بنابراین مناسب است زینب را به ازدواج عبدا... بن جعفر در آورید. و صداق او را صداق مادرش فاطمه علیها السلام چهارصد و هشتاد درهم معین فرمایید. حضرت پذیرفت و ازدواج در سال هفدهم هجری سرگرفت و به زودی جعفر بر اثر دعای حضرت به مال زیادی دست یافت و به جواد بخشنده معروف شد.»

شرط ازدواج

حضرت زینب با عبدا... شرط کرد که من به برادرم علاقه دارم و باید همه روزه به من اجازه دهی، حسین را زیارت کنم و حضرت علی علیه السلام نیز شرط کرد که هرگاه حسین علیه السلام اراده‌ی سفر کرد و زینب خواست همراهش باشد، عبدا... مانع نشود. ۳۲

پس از ازدواج

نتیجه این ازدواج چهار فرزند پسر (علی، عون اکبر، محمد، عباس) و یک دختر به نام ام کلثوم بود.

امیرمؤمنان هر روز به خانه دخترش سر می‌زد و هرگاه که زینب علیها السلام قصد زیارت قبر پیامبر را می‌کرد، امام حسن علیه السلام از یک طرف و امام حسین علیه السلام از طرف دیگر او می‌رفتند و امیرمؤمنان کسی را می‌فرستاد که چراغ‌های مسجد را خاموش کند تا کسی او را نبیند. ۳۳

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۳۸، به نقل از ریاض المصائب. ناسخ التواریخ، حضرت زینب علیها السلام، ج ۱، ص ۴۵.
- ۲- زینب الکبری، علامه جعفر نقدی، ص ۱۶.
- ۳- درباره تولد حضرت زینب علیها السلام نظریه‌های مختلفی در کتب تاریخی نقل شده است، مانند: پنجم جمادی الاولی سال ششم، اوایل شعبان، ماه رمضان، دهه اخیر ربیع الثانی سال پنجم یا ششم یا هفتم هجری و ماه محرم سال پنجم، ولی دهه اخیر ربیع الثانی قول قوی‌تر است. خصائص الزینبیه، ص ۵۵.
- ۴- طراز المذهب، ص ۲، نقل از خصائص الزینبیه، ص ۵۳.
- ۵- ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۴۰.
- ۶- مناقب خوارزمی، ج ۱، ص ۱۲۲، در کتاب زینب کبری علامه نقدی این سؤال (بگو یک ... را به حضرت زینب علیها السلام نسبت داده است.
- ۷- ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۶۴.
- ۸- خصائص زینبیه، ص ۲۵۵.
- ۹- ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۴۲.
- ۱۰- این القاب، یک سر فصلی برای یک ویژگی

حضرت است که به دلیل طولانی شدن از شرح و بسط خودداری و تنها به ارائه فهرست بسنده شد. برای مطالعه پیرامون هر لقب به خصائص زینبیه مراجعه کنید.

۱۱ - ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۶۱ و خصائص زینبیه، ص ۱۲۰ نقل از کبریة احمر.

۱۲ - اختیار معرفة الرجال، ص ۱۲. نفس الرحمان، ص ۳۱۱. امالی طوسی، ص ۲۶۰ و بصائر الدرجات، ص ۳۴۳.

۱۳ - این مصیبت‌ها و رمزها توسط امام زمان در روایتی گشوده شد، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۳.

«اما پیرامون روایت امام سجاد علیه السلام: «یا عمه اسکتی ففی الباقی من الماضي اعتبار وانت بحمدالله عالمة غیر معلمه فهمة غیر مفهمه...» (سفینة البحار، ج ۱، ص ۵۵۸، بلاغات النساء ص ۲۳). سید نور الدین جزایری می‌نویسد:

«از این جا چند مطلب معلوم می‌شود: اول: مسلم است که حضرت زینب علیها السلام دارای این مرتبه بوده که حضرت این را بیان کرده است. دوم: در این بیان، حضرت خواست شئون آن مخدیره را ظاهر سازد.

سوم: حضرت خواست تلافی نماید به عمه، چنان چه حضرت زینب علیها السلام در کربلا تسلی داد فرزند برادر را و... برخی ملک را نبیند آن را «محدث» گویند... و علیا حضرت به درجه الهام و محدثه نائل شده چنان چه حضرت سجاد می‌فرماید «عالمة غیر معلمه» صریح در طریق الهام است و چون از القاب آن مخدیره، محدثه و مخبره بوده، ظاهر این است که دارای این درجه هم بوده و معلوم است کسی که دارای مرتبه الهام باشد، محدث بودن چندان مرتبتی نباشد نسبت به مقام او. چه این که خادم و خادمه اهل بیت رسالت علیهم السلام سلمان و فضه [محدث و] محدثه بوده‌اند.» (خصائص

زینبیه، ص ۷۹).

۱۴ - زندگانی زینب کبری، شهید دستغیب، ص ۱۹.

۱۵ - وقایع الایام، تبریزی، ص ۳۰۲.

۱۶ - احزاب/۳۳.

۱۷ - تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹ و زینب کبری، علامه نقدی، ص ۶۳.

۱۸ - مقاتل الطالبین، ص ۶۰. طراز المذهب، ص ۲۹۴.

۱۹ - مریم/۴۱.

۲۰ - تفسیر کنز الدقایق، ج ۲، ص ۵۲۴.

۲۱ - وافی ج ۲، ج ۳، ص ۷۴۵ روی عن الامام موسی بن جعفر علیه السلام انه قال «ان فاطمه صدیقة الشهيدة...»

۲۲ - ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۵۰. نقل از بحرالمصائب.

۲۳ - همان، ص ۵۱.

۲۴ - معجم رجال خوبی، ج ۲۳، ص ۱۹۰.

۲۵ - کامل الزیارات، باب ۸۸، ص ۲۶۰.

۲۶ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

۲۷ - مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۲۱ و ج ۹، ص ۲۸۹، لالی الاخبار، ج ۴، ص ۳۲۵.

۲۸ - دلایل الامامة طبری، ج ۳. (مسند فاطمه زهرا سیدحسین شیخ الاسلامی، ص ۳۸۷).

۲۹ - نقل از نهج الحیات، روایت فوق که تنها به گزیده‌ای از آن اکتفا شد به طرق مختلف از حضرت زینب علیها السلام نقل شده است: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۰؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۳ و ۱۴ و بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۰۷.

۳۰ - ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۷۳.

۳۱ - همان، ص ۵۱ و بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۹.

۳۲ - ریاحین الشریعة، ج ۱۳، ص ۴۱ و ترجمه زینب کبری، ص ۸۹ و ۱۲۸.

۳۳ - همان، ص ۶۰.